

# انکار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پستی و قارسی  
نشر میشود

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : فیض محمد (انکار)

آدرس دفتر چریده : جاده میوند ابدار تمان نمبر (۴)  
نمبر تلیفون (۱۲۱۹) آدرس تلفگرافی : انکار - کابل  
تا سپس ۹ حوت ۱۳۲۹ -

سال اول

شماره سیزدهم

چهارشنبه ۲۱ حمل ۲۳۰

## ن - ترکی :

اتحادیه محصلین :

درست در همین روزهای سال گذشته فعالیت جوانان محصلین در بازارها دیده میشد و به قسم دسته دسته به کول مکتب استقلال می شتافتند و بایک حرارت امید بخش در عمارت وسیع صحنه تمثیل جمع گردیده کنفرانس های مفید و قابل قدر میدادند. اگرچه بعضی ها عقیده داشتند که مصروف محصلین در ترتیب و ایراد هیچ کنفرانس ها و حتی تملیق آنها را گرفته از تعلیم میمانند. ولی با وجود آن اجتماع آنها و تبادل افکار و نظریات شان بر اینها نظر و بیداری مردم که بحیث تماشاچی میآمدند و آشنا شدن خودشان به امور مختلفه اجتماعی بی اهمیت نبود. خیلی مورد دلچسپی و علاقه مندی عامه قرار گرفته بود. اتحادیه های محصلین در تمام ممالک عالم وجود دارند. با وجودیکه مصروف تعلیم خودها میباشند همیشه به جریان سیاسی مملکت خود و حتی دیگر ممالک علاقه میگیرند و از جریان امور اجتماعی خود برکنار نمیمانند. همیشه بر علیه و یا بر له سیاست روز حکومت خویش اظهار نفرت یا همدردی نموده نطق های آتشین را بر ضد یا تأیید آن ایراد مینمایند ولی این عملیات آنها سبب این نمیشود که از طرف مقامات صلاحیت دار شان اصل اتحادیه آنها منحل و از بین برده شود.

اتحادیه محصلین ما چنانچه چند ماه بصورت خوب اجتماع نموده در بیداری مردم و آشنا ساختن آنها بحقوق اجتماعی شان به واسطه کنفرانس ها کوشیدند اگرچه اجتماع و ایراد کنفرانسهای آنها هفته یک بار بود و آنقدر بیادروس آنها سگته وارد نمیشد مگر در اواسط ماه عقرب ۱۳۲۹ دفناتاً کنفرانس های آنها دوچارسگته گردید و چند هفته پی هم اهالی بدرباط اطاق کنفرانس شان می آمدند ولی از همان اجتماعات و خطابه های -

(بقیه در صفحه ۳)

## غ - روئیان :

انصکا سر آرزو های مردم :

زما نیکه برای بار اول آرزو های مردم در - چریده <sup>انکار</sup> / نشره روز چهارشنبه ۹ / حوت ۲۹ آزادانه انصکا سر کرده از آن وقت تا نگارش این سطور که ایام چندی سپری شده رفت در بحر تفکر و تخیل فرو رفته هیچ بفهم نمیرسید که چگونگی پرده های سیاست تاریک دیروز که بر فراز این ملت پهن شده بود در نیمه ندای حق از هم دریده روح در کالبد مرده جوانان پرورد و حماس این ملت بازدمید است و برای جلوگیری از تجاوز بحقوق خلق و بسر علیه ظلم و بی عدالتی به مبارزه شروع و به ایشان بشارت میدهم که جوانان خانه واده ها با ایشان هم آهنگ بوده اگر توفیق رفیق شان شود در بیداری و تحول و تجدید افکار اجتماعی این سالمان کهمک خواهند کرد.

ولی اگر بی مورد نه پندارند بنده عقیده دارم - که این آرزو های پاک و مقدس مردم تا وقتی برآورده نمیشود تا همه آزادی خواهان پاک و با ایمان تشکیل احزاب سیاسی را در سایه اتحاد خلل ناپذیر و صمیمیت مصنوعی و یگانگی تا سپس و اعلان تمیذارند. زیرا تا وقتیکه احزاب سیاسی تشکیل نمی یابد نسایندگان و اقصی و برگزیده گان حقیقی طبقات مختلفه جامعه در مرکز ثقل ملی که مجلس شورای ملی نامیده میشود جمع نشوند امکان ندارد حکومت ملی را حاکم و حق حاکمیت ملی را تاءمین کرد. همچنان که تشکیل یک شورای ملی که مظهر حقیقی بند ملت میباشند بدون وجود احزاب سیاسی تشکیل

کرده نمیتواند همین طور نمیتوان بدون تشکیل حکومت

بنام علی بن ابی طالب علیه السلام

همین امروز!!

دیروز هر چه بود گذشت اعاده ما منی از حیطه قدرت بشر بیرون است. کذا اطلاع بر ما و مع فردا هم صید نیست از قید تصور آزاد و یقیناً "نمیدانیم فردا چه خواهد شد و از چه پیش آمدی بآید - استقبال کرد؟ پس یگانه نقد یک داریم امروز است و همین امروز - در حالیکه چنین است لازم که همین نقد را سرمایه حسن عاقبت تلقی کرده و آنرا به نفع خود استعمال کنیم. هر يك از دقائق آنرا زیان غیر قابل تلاقی و جبران شمرده نماند. ما صی و رزیم تا از همین امروز به سرحد اعلی استقامت مشروع و مقبول نمانیم از آنچه بنام ما می‌آید و استقبال از کف ما بیرون قرار یافته معذوریم ولی از حال نمیتوان اظهار معذرت کرد - گرچه همه میدانیم که به فردا از روی یقین نمیتوان حکمی کرد اما به آنچه از عان و ایمان داریم این است که فردا زاده امروز بوده و عمل امروز در سرنوشت فردای ما حتماً تاثیر دارد. آنچه را امروز می‌بینیم حاصل دیروز است. اگر دیروز کار میکردیم یقیناً به حسرت و ندامت امروزی دچار نشده و چهره عبوس معائب را نمی‌دیدیم ولی اگر امروز هم برای سعادت فردا دست و پایی نمی‌زنیم و وقت را را یگان از کف میدهند باید باور کنیم که شایسته زنده گی و حسن عاقبت نیستیم از این اظهار خیلی رنج می‌بریم و - متأسف هستیم ولی باز هم ناگرم بگویم که در اثر عوامل ماضی از زبان ما دچار يك تسمم بدو مدهشی شده است که اکنون این مجادله يك صحنه بافراط میخواهد و وظیفه هر فرد حساس و صاحب درد است که علیه این تسمم ذهنی قیام و مجادله ورزد. - قدری آس آور و امید کفر است وقتی نگرینسته میشود بین علاقه گی سراهای ما را تا پایه هلاکت امتیلا کرده و حتی مجال و جراتی برای عمل هم برای ما نگذاشته بصورتیکه هر کس آرزو و انتظار دارد دیگری برای سعادت و استرفاه او دست و پا زده باشد و کوچکترین تکلفی را هم متوجه به\*

چو آن کیست؟

آن که شوره قلمش خرمن جرات خیا ننگاران را آتش دهد آن که طوفان هیعشر بنیاد هستی و طن فر و شان را متزلزل سازد. و از هم پا شد. آنکه سیلاب غیر تشر خس و خاشاک هرزه متمر زمین تمامیت ملت را از بین ببرد آنکه زبان بی الا یشتر جز ملت نگردد و جز بهبودی جامعه در اطراف چیزهای دیگر مترنم نباشد. آنکه قلم تلوا تا پیش افکار و نیات - خالصانه خودش را که در روی اعتلای ملت ترقی خاک - بیداری هموطنان بنا یافته باشد بروی صفحات کاغذ مسطور سازد. آنکه دوران عملیات او بر محور آزادی خواهی دینت. عدل و انصاف دوران نماید. آنکه هستی خود را در قبال موجودیت جامعه هیچ بدانند. آنکه حقایق را مستور نداشتند. در راه خدمت حقیقی به توده اغراض شخصی را زیر پا نمایند. آنکه وجدان او میز خوب و بد در راه تصنیف اشخاص متودهای عملی و حسب فرمایشات آئین و قانون بشریت داشته نرسد. آنکه لوحه ضمیر پاک او را گرد یأس و جبن مگردانند آنکه آئینه صفای دماقش در اثر خیانت. چا پلوسی. بد بینی به هموطنان رشوت و - وطن فروشی. غبار نگرفته باشد آنکه جبن و دناست قوه آزادی خواهی و احقاق حق و هموطنان را در وجود او مفلوب نسازد. آنکه شیفته پول. عاشر کونی. شیدای موثر مشتاق زمینداری نباشد. مفهوم جوانی را محرم لوگتشر<sup>ارشی</sup> و تجمل پسندی و توالت نداند.

\* خود نمیدانند و غافل است ازین که چون تشکیل جوامع از اجتماع افراد بظهور پیوسته اصلاح جوامع نیز باید از فرد شروع و به جماعت منتهی شود تا فرد اصلاح نضود جامعه غیر ممکن است اصلاح گردد باید آنانیکه علاقه به اعتلا و سعادت این خاک عقب مانده دارند پیش ازین غفلت نه ورزیده او لا" خود را اصلاح کرده بمدد با صلاح جامعه بپزدازند. اکنون که ما يك مملکت بنام دیمو کرات هستیم و عملاً "بین ما و دیمو کراتی (با مفهوم حقیقی آن) فاصله بصیدی هنوز موجود و قابل طی است باید برای نیل بآن اقدام کنیم. هستند بعضی تاریک نظران که باین رکود ما تصبیرات غیر واقعی می‌بینند اما من جدلاً "باین نظریه اظهار مخالفت میکنم زیرا اصول اساسی مملکت رژیم حکومت ما را شاهسی مشروطه تمین کرده و شاه جوان ما حامی دیمو کراسی بوده و جراید ما از مضر خلق فریاد دیمو کراسی میزنند. پس باقی نگوانی ما برای چیست؟ این گزختی ما خیلی بآن شباهت دارد که شخصی دعوی اسلام (بقیه ص ۳)

شمالی جرار:

انگار به نه یم:

که می جو غدی د زره به سر نگری انگار به نه یم  
 که می د زره به درد خیر نگری انگار به نه یم  
 چه برف کوی می زمالا پسی لنسی جگسیزی  
 که می دا خوله شو ندی کسکر نگری انگار به نه یم  
 که نور به بندو سترگو چا پوما گزا رو کسبر  
 که سبلی می د مجمر نگری انگار به نه یم  
 لکچه زه غمازه ستاله لاسه در / په در ۲۲  
 که می همدا سی در په در نگری انگار به نه یم  
 لکه چه زه خاوری په خوله خاوری به سر گر حیدم  
 که می همدا سی خاک په سر نگری انگار به نه یم  
 خوب می لیدی چه له خاورونه سره در جو در  
 که توری خاوری می سره زر نگری انگار به نه یم  
 را شه زما بخسکی لاندی با ندی و سنوزوه  
 که می خیر به خیر او شر نگری انگار به نه یم  
 که می دا پری ایری چه زه تری را وتلی یمه  
 پتوی دسمالی دهر هر نگری انگار به نه یم  
 د خصم رجم می سکر و تپو و ظیفی نیولی  
 که می له سکوره برابر نگری انگار به نه یم  
 را غلم دنیا ته د ظلمت په عگگله او ر لگوم  
 که توری شیی می سپین سحر نگری انگار به نه یم

بقیه اتحادیه

دلچسپ اثری نبود و اخیراً شغیده شد که به نسبتیکه  
 به سیاست تماس میگردند از اجتماع آنها ممانعت بعمل  
 آمد این مملکت که چهره آتش فلاکت ها و بد بختیهای متعدد  
 استیلا کرده به کهمک کوچکترین فرد و افراد احتیاج -  
 شدید دارد و فلاکت ها و سیاه روزیها هم تا وقتی بر  
 طرف شده نمیتوانند تا که عامه بیدار نشوند و یکی از  
 وسایل مقبول بیداری لزوم شنیدن کفرها و نسیها - خطابه ها  
 و دیدن اجتماعات میباشد و خطابه های محصلین که حاوی  
 آن مطالب بود که آنها در فاکولته ها و غیره فرا گرفته بودند  
 به حائزین تاء ثیو عمیقی بخشیده آنها را به نسبت  
 موقعیت اجتماعی شان متحسر میساختند - بعضی از  
 حرکات سیاسی و اجتماعی د ستگاه حکومت خودها را  
 تصبیر و تفسیر نموده آن را مورد تنقید و تبصره  
 منطقی قرار میدادند که به تربیه ذهنیت سیاسی  
 عامه خیلی مفید بود - ما از جوانان اتحادیه محصلین  
 سابق تمنا داریم تا سلسله اجتماعات و ایراد -  
 کفرها و نسیهای مفید خود را سر از نو شروع نموده به طرز  
 صحیح تر در بیداری عامه مجاهده نمایند و یقین  
 و اشق داریم که هیچ مانع فصالت و طنخواها نه شان  
 را مانع نخواهند شد -

بقیه انکاسر

ملی برای آزادی ارزشی را قایل شده صراحت بگویم که آزادی  
 بدون حکومت ملی و حکومت ملی بدون شورای ملی و شورای  
 ملی بدون احزاب سیاسی امکان پذیر نبوده و نمیتوان -  
 عدالت اجتماعی را قایم و این ملت بیچاره و بد بخت را از فلاکت  
 و ادبار نجات داد - چه حیات امروزه ملل زنده و -  
 راقیه شامد حال است که هیچ يك قوم و جامعه بحفظ  
 و تاء همین سعادت موفق شده نمیتواند مگر تحت تشکیلات حزبی  
 البته و قتیکه احزاب سیاسی در يك جامعه قد علم کرد آن وقت  
 نماینده گان حقیقی و واقعی طبقات مختلفه جامعه در يك  
 مرکز جمع شده در تمین سر نوشت و روش زنده گانی جامعه  
 مشوره و مصلحت کرده انجمنی را که در حقیقت مظهر واقعی  
 ملت است بمیان میآیند و همین مظهر حقیقی ملت خواهد بود  
 که حکومت ملی را قایم نماید آن وقت میتوان معتقد شد که حق  
 حاکمیت ملی تا مین و آزادی حقیقی وجود دارد و زمه این آرزوها  
 که از حنجره های توده مصیبت زده متشنت بگو شهای مامت مکرر  
 میشود معنی آزادی حقیقی بیان را در برداشته است - مصر  
 سعادت حقیقی خود دو ساندہ نمیتواند -

(بقیه همین امروز)

را کرده و مبادی و شرایط آنرا که از زمره ( نماز  
 پنج گانه است ) بدانند ولی منتظر باشد امام محله  
 در پنج نوبت شبها روز محصلی عقب او اعزام کرده  
 و او را با آن ای مایه واجب قهرا آماده و حاضر  
 کنند

چون اجتماعات و ایراد خطابه ها تشکیل  
 احزاب یکی از سنن لایتنیر د یمو کراسیست  
 و ما اگر اعتقاد به دیمو کراسی  
 داریم بایست آنرا تطبیق و حمایه و پیروی  
 کنیم والا

حق پرست :

جواب ورزشکاران :

قسمیکه همه چیزها در نزد ما مفهوم اصلی خود را باخته است. انتقاد نیز ماهیت اصلی را از دست داده و لباس دشنام نکو هشر و بد گوئی را در بر نهوده در حالیکه انتقاد صرف نشان دادن و یا مطالبه نمودن جنبه های نیک و بدی یک مسئله از ناظر نظر علمی و فنی بیجا شده یعنی در انتقاد صرف بد گوئی و خوردگی گیری جا نداشتند بل جنبه های قوی و ضعیف مورد مطالعه قرار میگیرد چنانکه جنبه ضعیف انتقاد میشود جنبه قوی نیز اظهار میگردد مگر متأسفانه در نزد چکوره ها چنین نیست بدون آنکه راه اصلاح را نشان داده باشند در باره یک دسته جوانان مملکت انتقاد مینمایند اینک بچند نکته منها غلی چکوره جواب میدهم:

تیم فت بال در مقابل دهند و جا پان . . . . .

پلی - تیم فتبال ما در مقابل دهند و جا پان مغلوب گردید و ورزشکاران اولتیک ما هم ناکام شدیم ولی باید بدانیم که سوپه حمایتی و مدنی جا پان هستید و افغانستان خیلی با هم فرق دارد و نه باید ندا گفته بگذریم که ما از جا پان دهند از هر نقطه نظر عقب بوده و رسیدن نمیتوانیم و اگر خود را به مقابل آنها قرار مینماید هم کوتاهی

عقل ما است (( پس آیا این کوتاهی عقل نبود که با این عقب ماندگی باز هم به مصرف پول زیاد شامل شدیم؟ )) انگار)) گذشته از آن تیمهای هند و جا پان با ایشار سرمایه گزاف و تمرینات زیاد فنی و مسافرت های ورزشی در ممالک آسیای - اروپائی - و آفریقائی و تاسیس و تقویه کلوب های ورزشی از طرف سرمایه داران و کهنک و معاونت موسسات ملی و بلدیها و دست گیری ورزشکاران باین درجه رسیدند اند در حالیکه ورزشکاران ما یکی از وسایل بالارا دارا نمیشدند و هیچ کس آنها را نخواهد کرد اگر بگویم که تا امروز سرمایه دارهای ما یک پول هم بشمام ورزش اغانه نداده و یک لب ورزشی را \*

\* تا همین هم تکرار اند با این هم اگر ورزشکاران بسا ندا شتن اقتضایات خوب و به خوردن نان خشک و چای تلخ به مقابل تیم های جا پان دهند به سه گول و دو گول مغلوب میشوند قابل تقدیر است نه نکو هشر . . .

بنده بحدیث یک ورزشکار از سبناغلی چکوره و دسته اش آرزو میکنم که قضاوت عادلانه نمایند .

سبناغلی چکوره . . . ! اینک ادعا دارید که بی خابیمای دو ماهه باعث مغلوبیت گردیده عاری از حقیقت است زیرا ما ورزشکار میباشیم و بد سخته نیکه بخارج مملکت رفتند و بد عیاشی بی پروا ازند تعلق ندا ریم و شاهد مقال ما تشکر رسمی حکومت هند است که به مناسبت اخلاق و عادات ما از سفارت و حکومت ما بعمل آمده است در خاتمه باید متذکر شویم که انتقاد باید از طرف اشخاص فنی و سابقه دار صورت بگیرد تا جنبه های تخنیکی زن را مورد مطالعه قرار دهند . بنسأ" ما از تمام ورزشکاران با تجربه آرزو میکنیم تا مشکلات موسسات ورزشی را بسا اوضاع و اعمال ورزشکاران مورد مطالعه قرار داده و نظریات نیک خود را نشر فرمایند تا ما نقایص خود را اصلاح نموده و در آئینده کامیاب تر نصیب ما گردند در صورت عکس انتقاد بی جا باعث دل سردی و یا سر - دسته جوانان نیکه تا حال بدون کدام مفاد ما دی از روی عشق به ورزش و وطن هزارها زحمات را متحمل شده اند . میگردد .

نوت :

جوابیه فوق از طرف ریاست اولمپیک تصدیق شده است .

برای خواننده :

رجب خان به نایب کمند : رجب خان بیاد رجرا امروز دق هستی ؟  
 نایب : پسر سان نکو - بخدا چهار هزار افغانی از درک قاطریکه دیروز در کمند مرد سرم تلوان شده .  
 رجبخان : تو بری سر کار نکنتی که پسر سال بیاد در مام دی خدمت نایب کمنند مرد تلوان او ره کی میسته ؟  
 نایب : آی بیاد او ره کی پسر سان میکنند مخو بر شان گفتم میگن بیادرت خود پای کدام تحویلدار قید نبود که بالا یشر تا وان میشد ( الف )

اشتراک

- (۳۶) افغانستان سالانه :
- (۴۰) افغانستان سالانه :
- (۴) دار سالانه :
- قیمت یک شماره (۵۰) پول
- گستندو شخصی انگار - کابل :